

ما می گوئیم:

پیش از آنکه به نقد کلام مرحوم صدر بپردازیم، لازم است مقدمه‌ اشاره کنیم که:

بسیط و مرکب در ما نحن فیه (که صفت جامع قرار گرفته اند) دارای معنای خاص خود است. بسیط در اینجا چیزی است که نسبت آن با نمازهای خارجی نسبت کلی و فرد است. (حتی اگر آن مفهوم، مرکب از جنس و فصل باشد) پس هم انسان (مرکب از جنس و فصل) که جامع بین زید و عمرو و... است و هم جوهر (غیر مرکب) که جامع بین فرس و شجر و حجر است، بسیط می باشند.

حال این جامع بسیط گاه ذاتی است مثل انسان برای زید و عمرو و گاه عرضی است مثل سفید برای زید و عمامه و گاه انتزاعی است مثل امکان برای انسان و ملائکه و گاه مفاهیم عامه است مثل چیز برای همه موجودات.

اما مرکب در اینجا عبارت است از مجموعه ای از اجزاء که در مجموعه هایی وجود دارد. مثل «الف + ب» که جامع است بین مجموعه «الف + ب + ج» و مجموعه «الف + ب + د + ه». و چون مجموعه ها را ما واحد اعتبار می کنیم، پس جامع مرکب در اعتباری ها تصویر می شود. اما باید توجه داشت که رابطه این جامع مترتب با دو مجموعه مذکور، رابطه کلی و فرد نیست بلکه رابطه کل و جزء است.

پس: اگر ما مجموعه ای را مرکب از «دو اسب + یک اطاقک» را درشکه نام نهادیم در این صورت هر جا دو اسب با یک اطاقک بود حقیقه درشکه صادق است و رابطه این مفهوم با آنها رابطه کلی و فرد است ولی اگر سه اسب و یک اطاقک را لحاظ کردیم، رابطه آن مفهوم با این شیء رابطه کلی و فرد نیست بلکه رابطه کل و جزء است.

حال اگر «الف + ب» بشرط لا باشد، رابطه اش با دو مجموعه مذکور تباین است ولی اگر «الف + ب» لا بشرط باشند، رابطه اش با دو مجموعه مذکور رابطه کل و جزء است [این مطلب را به طور مفصل در تبیین فرمایش امام در بحث جزء فرد مطرح کردیم] اما توجه شود که اگر «ج و د» قدر جامعی ندارند، نمی شود مجموعه ای تحت عنوان «الف + ب + ج یا د» تصویر کرد.

۱. از مجموع آنچه مرحوم صدر می گوید می توان گفت از دیدگاه ایشان صلوة عبارت است:

«فعلی که مرکب است از قصد قربت مطلقاً [قیود دسته اول] + حمد یا تسبیحات اربعه در رکعت سوم و چهارم [قیود دسته دوم] + رکعت سوم و چهارم برای حاضر و عدم این رکعت ها برای مسافر [قیود دسته سوم] + قیام برای مختار و جلوس برای مضطر [قیود دسته چهارم] + بسم الله به شرطی که اختیاراً ترک نشده باشد [قیود دسته پنجم]» (پس اگر بسم الله اختیاراً ترک شده باشد، دیگر نماز، نماز نیست).



۲. این همانند آن است که عرفاً می‌گوییم: قرمه سبزی وضع شده برای «گوشت مطلقا + لوبیا مطلقا + سبزی اسفناج یا شنبليله».

۳. اما این مسئله پدید می‌آید که هر جا به تردید برخوردیم، دیگر قدر مشترکی نداریم به عبارت دیگر اگر عنوانی نداریم که هم شامل اسفناج و هم شامل شنبليله شود، باید دوبار نامگذاری کنیم، یک بار برای «گوشت + لوبیا + اسفناج» و یک بار برای «گوشت + لوبیا + شنبليله» و در ما نحن فیه:

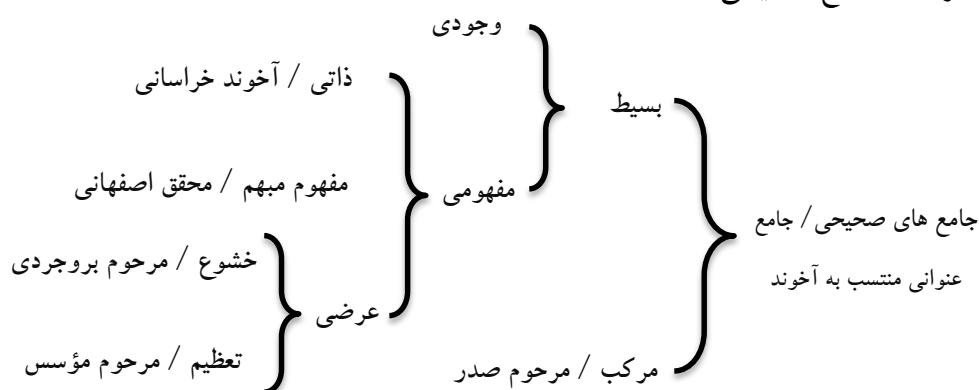
۴. بین شیء و بدل آن (چه عرضی تعیینی و چه عرضی تخییری و چه طولی) قدر مشترک قابل تصویر نیست. و اینکه ایشان جامع بین تیمم در مضطر و وضو در مختار را مورد اشاره قرار میدهند، کلام کاملی نیست. پس:

۵. پس کلام ایشان در قیود نوع اول و نوع پنجم قابل قبول است ولی در سه نوع دیگر از قیود چون قدر مشترکی در کار نیست، باید به وضع متعدد در لفظ صلوة قائل شویم و این به معنای اشتراک لفظی در لفظ صلوة است که ایشان خود قبول ندارد.

۶. به عبارت دیگر چون موضوع له، مفهوم است، اگر نخواهیم به اشتراک لفظی دچار شویم، باید یک مفهوم بسیط و یا یک مجموعه غیر تردیدی را مورد توجه قرار دهیم و مفهومی که شامل «الف یا ب» شود باید قدر مشترک آنها باشد و اگر قدر مشترکی نداریم، جامعی هم نداریم.

۷. نکته آخر درباره کلام ایشان آن است که در مبنای صدر، صلوة، واحد اعتباری است و واحد اعتباری در حقیقت امور کثیره است که ما آنها را واحد اعتبار می‌کنیم. پس در حقیقت صلوة عبارت است از «مجموع اجزاء و شرائط» که در کلام ایشان با عنوان جامع مرکب از آن یاد شد. اما چون «مجموعه الف» (... + قیام + ...) با «مجموعه ب» (... + جلوس + ...) مختلف هستند، لذا چنانکه گفتیم مبنای ایشان به اشتراک لفظی می‌انجامد.

جمع بندی امر اول (جامع صحیحی):



از آنچه خواندیم معلوم شد که در میان جامع های مطرح شده، آنچه از مبنای آخوند خراسانی استظهار کردیم، قابل پذیرش است.



